

وجه تسمیه‌ی کتاب‌های فارسی با نگاهی به «مثنوی» و «دیوان شمس»

سید حسن امین

۱- درآمد

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی معروف به مولوی (۶۰۴-۶۷۲ ق) و شعر تابناکش، نماد و تمثیلی از روح انسان کامل است که با حقیقت مطلق و روح شامل کائنات در پیوند است. مولانا را نمی‌توان در زمان و مکان محدود کرد اما چنین اتفاق افتاده است که در سال‌های اخیر، در آذرماه هر سال، هم‌زمان با «عرس مولانا در قونیه» مراسم و همایش‌هایی به این مناسبت در ترکیه، ایران، پاکستان، هندوستان، تاجیکستان، افغانستان، مصر، اروپا و آمریکا برگزار می‌گردد و خیل مشتاقان او از چهار گوشه‌ی جهان در این ایام به زیارت او در قونیه می‌شتابند و ما نیز امسال دیگر بار به کاروان زائران مزار یار خواهیم پیوست.

ما در ماهنامه‌ی حافظ، علاوه بر دو ویژه‌نامه (شماره‌های ۱۰ و ۴۱) که به مولانا اختصاص داشت، در شماره‌های دیگر این مجله، هم تاکنون ده‌ها مقاله‌ی ارزشمند علمی، ادبی، عرفانی و تاریخی راجع به مولانا چاپ کرده‌ایم که از آن میان، در ویژه‌نامه‌های مولانا دو مقاله به قلم من بوده است.

الف. مولوی و اصالت عرفان ایرانی‌اش: اتصال و انفصال مولانا و ابن عربی (حافظ، ش ۱۰ (دی ۱۳۸۳)، صص ۱۷-۲۵)
ب. رؤیای صادق در مثنوی مولانا (حافظ، ش ۴۱ (خرداد ۱۳۸۶)، صص ۱۹-۲۱)

در مقاله‌ی حاضر، بر آن شدم که به وجه تسمیه‌ی دو اثر جاودان مولانا یعنی مثنوی و دیوان شمس بپردازم.

۲- پیشینه‌ی فرهنگی نامگذاری کتاب‌ها

در ادبیات فارسی و معارف اسلامی، نامگذاری آثار ادبی و علمی به نام بزرگان، سابقه‌ی طولانی دارد. از جمله ابن سینا (در گذشته ۴۲۸ ق) کتاب **دانشنامه‌ی علایی** را در منطق و الهیات و طبیعیات به نام علاءالدوله کاکویه دیلمی کرده است و خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) کتاب **اخلاق ناصری** را به نام ناصرالدین محتشم قهستانی از امراء اسماعیلی نوشته است؛ بلکه در حقیقت



سنت معمول طبقه‌ی مؤلفان و مصنفان و شاعران همین بوده است که آثار خود را به نام پادشاهان، حاکمان و وزیران وقت می‌کردند. سعدی شیرازی (وفات ۶۹۱-۶۹۴) از بزرگ‌ترین نوابغ شعر و ادب فارسی دفتر اشعاری را که امروز به بوستان معروف است «سعدی‌نامه» (به نام سعد بن ابوبکر پسر اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۳۲-۶۶۸) از اتابکان فارس) نام نهاده است و حتی تخلص او به سعدی، به مناسبت همین نسبت است. بعدها دیگران هم چنین تخلص‌هایی داشته‌اند، چنان‌که میرزا حبیب قانعی شیرازی (۱۲۲۲-۱۲۷۰) تخلص قانعی را به مناسبت نام ممدوحش اوگتای قان پسر شجاع‌السلطنه برگزید و نیز فروغی بسطامی (۱۲۱۳-۱۲۷۴) به مناسبت این‌که شاهزاده شجاع‌السلطنه (پدر ممدوح قانعی) فروغ‌الدوله لقب داشت، به فروغی تخلص کرد.

۳- وجه تسمیه‌ی مثنوی و دیوان شمس

در طبقه‌ی عارفان نیز، نامگذاری آثار یک عارف به نام مرشدش به دلیل ارتباط باطنی و نسبت معنوی بین مرید و مراد سابقه دارد. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی که به‌علت مهاجرت پدرش (= بهاء‌الدین ولد) از بلخ به آسیای صغیر (= روم) به «رومی» Rumi معروف است، در متن و بطن حوزه‌ی فرهنگی، ادبی و عرفانی ایران پروریده و بالیده است. این عارف و متفکر بزرگ، اثر معروف منظوم خود مثنوی را «حسامی‌نامه» به نام حسام‌الدین چلبی شیخ و خلیفه‌ی خود نامگذاری کرد و نام کامل مثنوی مولانا «مثنوی حسامی‌نامه» است.

مولانا دیوان غزلیات خود را نیز به نام شمس تبریزی مرشد مرموزش که در ۶۲۸ ق در قونیه ربوده‌ی او شد، دیوان شمس خواند. ملاقات شمس تبریزی، مولانا را متحول کرد و این تحول به حدی در روح و سلوک مولانا تأثیر گذاشت که مولانا در حق این مرشد پُر رمز و راز خود چنین گفت:

پیر من و مراد، من درد من و دوی من

فاش بگفتم این سخن، شمس من و خدای من

از تو به حق رسیده‌ام، ای حق حق‌گزار من

شکر تو را ستاده‌ام، شمس من و خدای من

مات شوم ز عشق تو، زان که شه دو عالمی

تا تو مرا نظر کنی، شمس من و خدای من

دیوان شمس را که مولانا به نام مراد خود شمس تبریزی

ساخته است، عموم عوام و جمعی از متوسطین و کم‌سوادان،

سروده‌ی شمس تبریزی می‌دانند.

۴- ادامه‌ی سنت مولانا بین عارفان متأخر تا اواخر سده‌ی شانزدهم

دیوان مشتاق را که مظفر علی‌شاه کرمانی (وفات ۱۲۱۵ق) به نام مراد خود مشتاق علی‌شاه اصفهانی سروده است تقریباً تمام مردم از عوام و خواص سروده‌ی مشتاق می‌پندارند. برای نمونه مرحوم محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) در مقاله‌ی همین اشتباه را کرده است، آن‌جا که گوید:

«دیگر از شعرای قرن سیزدهم، نشاط، نور علی‌شاه، مشتاق

علی‌شاه و صفی علی‌شاه‌اند.» (محمدتقی بهار، «دورنمای تصوف در

ایران»، مجله‌ی پیام نو، سال ۲ شماره‌ی ۲، دی‌ماه ۱۳۲۴، ص ۳۵-۵۴، در ص

(۵۴)

هم‌چنین شادروان دکتر محمد معین در فرهنگ معین همین

اشتباه را مرتکب شده است (و دو اشتباه دیگر هم بر آن افزوده)

آن‌جا که گوید:

«مشتاق علی‌شاه میرزا محمد کرمانی عارف مقتول کرمان در ۱۳۰۶ هـ. ق. از فقرای سلسله‌ی نعمة‌اللهیه که به فتوای ملا عبداللّه عالم روحانی وقت به قتل رسید. آرامگاهش به نام مشتاقیه در کرمان، زیارتگاه دراویش است. وی را دیوانی است حاوی قصیده و غزلیات.» (دکتر محمد معین، فرهنگ معین، بخش اعلام، جلد ۶ ص ۱۹۸۰)

اشتباه عمده‌ی زنده‌یاد دکتر محمد معین این است که دیوان مشتاق را اثر مشتاق علی‌شاه دانسته است.

نیز سلطان علی‌شاه گنابادی، سه تألیف از تألیفات خود را به نام مرشد عامی و بی‌سواد خود (محمد کاظم تنباکوفروش اصفهانی ملقب به سعادت علی‌شاه و معروف به طاووس‌العرفاء) نامیده است:

۱- تفسیر بیان السعاده

۲- سعادت‌نامه

۳- مجمع‌السعادات ■

